

بنام خدا

طرح پژوهشی با عنوان:

نیازسنجی دوره‌ها و رشته‌های آموزش عالی مهارتی و علمی-کاربردی استان چهارمحال و بختیاری طی

سال‌های ۹۶-۱۳۹۱

کارفرما و ارائه دهنده طرح

دانشگاه جامع علمی-کاربردی

واحد استانی چهارمحال و بختیاری

ناظر طرح

اداره کل گسترش آموزش‌های عالی مهارتی

دانشگاه جامع علمی-کاربردی کشور

مجری طرح و پژوهشگر

دکتر محمد نیکخواه

(هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان)

فروردین ۱۳۹۲

چکیده: توسعه جامع، با توسعه علمی و فناوری گره خورده و از جمله عوامل مهم آن آموزش عالی است. آموزش عالی دارای دو نوع جهت‌گیری شامل آموزش‌هایی که بر مبانی و اصول علمی تأکید دارند و آنهایی که معطوف به کسب مهارت و حرفه هستند، است. آموزش‌های علمی-کاربردی معطوف به جهت‌گیری دوم هستند. برای طراحی و اجرای صحیح دوره‌ها و رشته‌های مهارتی و اطمینان کیفی از روند آنها، اطلاعات واقعی، مرتبط و روزآمد، مورد نیاز است. از طریق نیازسنجی می‌توان به اطلاعات مذکور دست یافت. نیازسنجی باید با مطالعه تحولات علمی، فناوری، اقتصادی و اجتماعی جهانی، توجه به شرایط ملی، اسناد بالادستی شامل سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه‌های توسعه کشور، برنامه‌های آمایش آموزش عالی، هدف‌های آموزش‌های مهارتی، شرایط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی استان، وضعیت جمعیت شاغل و بیکار و موقعیت‌های شغلی استان، جمعیت واجدالشرایط آموزش عالی، تعداد دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان متوسطه و پیش‌دانشگاهی، شرایط بازارکار و اشتغال استان و وضعیت موجود دوره‌ها و رشته‌های فعلی مراکز علمی-کاربردی استان، صورت پذیرد. بنابراین هدف این پژوهش، نیازسنجی دوره‌ها و رشته‌های مهارتی و علمی-کاربردی استان، طی سال‌های تحصیلی ۹۱ تا ۹۶، با توجه به موارد مذکور، بوده است.

روش پژوهش: نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و پیمایشی بوده است. جامعه‌های آماری پژوهش شامل تمامی اسناد بالادستی مرتبط، مسئولان دستگاه‌های اجرایی، تولیدی، خدماتی، صنعتی، کشاورزی و آموزشی استان و مسئولان، مدرسان و دانشجویان مراکز علمی-کاربردی استان (در سال ۱۳۹۱)، بوده است. با توجه به گسترده بودن جامعه‌های آماری پژوهش، از روش‌های مختلف، برای برآورد حجم نمونه‌ها و نمونه‌گیری استفاده شده است. با توجه به تعدد هدف‌های ویژه پژوهش، از ابزار متعدد از جمله چند نوع چک‌لیست و فرم برای گردآوری داده‌های حاصل از اسناد و مدارک و شش نوع پرسشنامه ترکیبی پژوهشگر ساخته برای بررسی دیدگاه‌ها، برآوردها و پیش‌بینی‌های افراد و گروه‌های مورد نظر پژوهش استفاده شده است. روایی ابزار از طریق متخصصان و پایایی آنها به دلیل ترکیبی بودن، به روش‌های مختلف برآورد شده است. بعد از گردآوری داده‌ها به روش مراجعه حضوری، با استفاده از روش‌های مختلف آماری و با انجام محاسبه‌های مختلف، داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج پژوهش: طی سال‌های ۹۱ تا ۹۶، استان از سویی با کاهش نرخ رشد جمعیت و جمعیت دانش‌آموزی متوسطه و به تبع آن واجدین شرایط تحصیل در دوره‌های کاردانی و کارشناسی (۱۸ تا ۲۴ سال) و همچنین افزایش ظرفیت دانشجویی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی مختلف، با توجه به برنامه‌های مختلف توسعه استان و سایر اسناد و مدارک بالادستی و از سوی دیگر افزایش عرضه نیروی کار دارای آموزش عالی و کاهش تقاضای نیروی کار در بسیاری از بخش‌ها، روبرو خواهد شد. میزان مطلوبیت وضعیت موجود عناصر (زمینه، درون‌داد، فرآیند و نتیجه) و مؤلفه‌های برنامه‌درسی مراکز علمی-کاربردی استان در حد متوسط و زیاد بوده است. از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جلب مشارکت دستگاه‌ها با دانشگاه عبارتند از تعیین نیازهای شغلی نیروی کار فعلی و آتی دستگاه‌ها و طراحی و اجرای آموزش‌ها متناسب با آنها، مشارکت دادن دستگاه‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی، تهیه و تدوین استانداردهای مهارتی طبق شرایط کاری دستگاه‌ها و فراهم نمودن زمینه‌های قانونی اعطای اعتبارات و تسهیلات ویژه به دستگاه‌های دارای همکاری با دانشگاه. مهم‌ترین زمینه‌های آمادگی دستگاه‌ها، با دانشگاه عبارتند از فراهم نمودن زمینه‌های بازدید دانشجویان و استادان از بخش‌های مختلف دستگاه، پذیرش دانشجو برای گذراندن درس‌های کارورزی و مشارکت فعالانه دستگاه‌ها در برنامه‌ها و همایش‌های دانشگاه. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تقاضای اجتماعی لازم برای طراحی و اجرای دوره‌ها و رشته‌های علمی-کاربردی استان، عبارتند از ارائه آموزش‌ها در قالب کارهای عملی، آزمایشگاهی و کارگاهی، متناسب با نیازهای شغلی افراد و بازارکار، اختصاص زمان بیشتر به دوره‌های کارآموزی و نظارت مستمر بر حسن انجام آنها، معرفی دانشجویان کارآموز به دستگاه‌های معتبر، مجهز و به‌روز، به‌روز رسانی مداوم دوره‌ها، رشته‌ها، آموزش‌ها، ارائه دوره‌ها و رشته‌های مورد نیاز بازارکار و صنعت استان و فراهم نمودن زمینه‌های مختلف برقراری ارتباط مستمر و تنگاتنگ

بین دانشگاه، بازارکار و صنعت. تا سال ۱۳۹۶، در زمینه صنعت ۵۷ رشته کاردانی و ۳۰ رشته کارشناسی، مدیریت و خدمات اجتماعی ۲۵ رشته کاردانی و ۲۵ رشته کارشناسی، هنر ۱۵ رشته کاردانی و ۱۹ رشته کارشناسی و کشاورزی ۴۵ رشته کاردانی و ۴۰ رشته کارشناسی مهارتی و علمی-کاربردی مورد نیاز استان است. پیشنهاد می‌شود مراکز آموزشی علمی-کاربردی استان، برای طراحی و اجرای دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره‌های کاردانی و کارشناسی خود، از یافته‌های این پژوهش استفاده نمایند.

کلید واژه‌ها: نیازسنجی، آموزش عالی مهارتی، علمی-کاربردی، دوره‌ها و رشته‌ها.

بیان مسئله: نظام آموزش عالی اغلب دارای دو نوع سمت‌گیری است، که یکی از آنها آموزش‌هایی که ضمن توجه به پایه‌های علمی، بیشتر معطوف به کسب مهارت و حرفه‌ها و اجرای طرح‌ها و بهره‌برداری از تجهیزات هستند. از جمله مهم‌ترین بخش آموزش عالی که با هدف تربیت و تأمین نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات، توسط وزارت علوم، طراحی و با مشارکت دستگاه‌های اجرایی برگزار می‌شود، آموزش‌های علمی-کاربردی است. در کشور ما در دو دهه گذشته، به دلایل متعدد از جمله طراحی آموزش‌های آکادمیک بر اساس ساختار دانش و نه نیازهای جامعه، عدم جدیت در ارائه مناسب واحدهای عملی، عدم تناسب محتوای درس‌ها، دوره‌ها و تجهیزات با ویژگی‌های بازارکار و غیره که باعث عدم کارایی دانش‌آموختگان آنها در زندگی واقعی و بازار کار گردیده است، ایده آموزش علمی-کاربردی مطرح شده است. بنابراین در سال ۱۳۶۹، شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف ارتقاء و انتقال دانش کار، ایجاد مهارت‌ها، افزایش بهره‌وری، به‌هنگام کردن و ارتقای معلومات و تجارب شاغلان و حرف‌گوناگون، برای افزایش توانایی افراد، در انجام مطلوب کارهای محوله، اقدام به تشکیل گروه علمی-کاربردی نموده است و از آن پس، تلاش‌های گسترده‌ای برای گسترش، رشد و توسعه کمی و کیفی این آموزش‌ها انجام گرفته است.

با این وجود، دانشگاه‌ها، به‌ویژه مراکز آموزش عالی مهارتی و علمی-کاربردی، به عنوان بالاترین مراکز اندیشه‌ورزی، تولید علم و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه، برای انجام وظایف و ارتقاء خود، نیازمند ابزاری مناسب برای تعیین و طراحی برنامه‌ها و فرآیندهای خود و اطمینان کیفی از روند آنها و کارایی و اثربخشی فعالیت‌های خود از طریق برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و راهبردی، بهبود فرآیندها و روش‌ها و کنترل مستمر کیفیت هستند. لازمه تحقق این‌ها، وجود اطلاعات واقعی، دقیق، مرتبط و روزآمد است. دستیابی به این اطلاعات، از طریق انجام پژوهش و نیازسنجی جامع برنامه‌ها، دوره‌ها، رشته‌ها و آموزش‌هایی است که دانشگاه در حال انجام آنها بوده یا تصمیم به ارائه آنها دارد.

نیازسنجی دوره‌ها، رشته‌ها یا برنامه‌های فعلی یا جدید مهارتی و علمی-کاربردی، باید با استفاده از اطلاعات جامع، به‌روز، مناسب، مفید و قابل اتکا صورت پذیرد. از این‌رو با توجه به تعدد و تنوع عوامل تأثیرگذار بر یک

دوره، رشته یا برنامه مهارتی یا علمی-کاربردی، باید تمام عوامل تأثیرگذار را مدنظر قرار داده و از روش‌های متنوعی برای گردآوری اطلاعات استفاده نمود. چرا که عدم کفایت داده‌ها و آشنا نبودن با الگوهای مناسب نیازسنجی، موجب استفاده از اطلاعات نامناسب و ناکافی در نظام آموزش عالی شده و عدم توازن در عرضه و تقاضای نیروی انسانی، سبب عدم کارایی و ارائه خدمات نادرست نیروها می‌گردد. این مشکل‌ها در رده‌های مهارتی و تخصصی بسیار ملموس‌تر است، زیرا هرچه طول مدت و هزینه تحصیل افراد افزایش یابد، انتظارهای آنان بیشتر می‌شود. آنچه در این پژوهش به عنوان یک مسئله مطرح بوده، این است که طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶، استان چهارمحال و بختیاری، با توجه به پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها و شرایط مختلف آن، در بخش‌های مختلف صنعتی، خدماتی و کشاورزی، نیاز به چه نیروی کاری، با چه مهارت‌ها و تخصص‌هایی دارد؟ دانشگاه جامع علمی-کاربردی استان، طی سال‌های تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ تا ۹۶-۱۳۹۵، با توجه به اسناد بالادستی، بررسی تحولات مختلف جمعیتی، نرخ دانش‌آموزی و ظرفیت دانشجویی و تحولات اقتصادی و اجتماعی استان و همچنین نیروی انسانی بخش‌های مختلف صنعتی، خدماتی و کشاورزی، باید اقدام به برگزاری چه دوره‌ها و رشته‌های مهارتی و علمی-کاربردی نمایند؟ چگونه دانشگاه علمی-کاربردی می‌تواند برای توسعه کمی و کیفی دوره‌ها و رشته‌های مختلف خود، از طریق جلب مشارکت و همکاری دستگاه‌های مختلف و سایر مؤسسه‌های آموزش عالی استان، حداکثر استفاده را از ظرفیت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و فناورانه سایر و منابع، امکانات و تجهیزات آنها ببرد؟ چگونه دانشگاه علمی-کاربردی می‌تواند اقدام به جلب حداکثری افراد به فراگیری این آموزش‌ها نماید؟ و چگونه می‌تواند برنامه‌درسی و آموزش‌های دوره‌ها و رشته‌های خود را از نظر کمی و کیفی رشد و ارتقاء داده و بهبود بخشد؟ در پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های مذکور، به صورت سیستمی و همه‌جانبه داده‌های مختلف مورد نیاز پژوهش گردآوری و مورد بررسی، توصیف، تحلیل و استنباط و نتیجه‌گیری قرار گرفته شده‌اند.

طرح پژوهشی

بررسی و آسیب‌شناسی طرح آموزش استاد-شاگردی سازمان فنی و حرفه‌ای و راه کارهای مناسب توسعه

آن (مورد مطالعه: شهرستان شهرکرد)

ارائه‌دهنده طرح و کارفرما

اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان چهارمحال و بختیاری

مجری طرح

دانشگاه علمی-کاربردی واحد استانی چهارمحال و بختیاری

ناظر طرح

مهندس حسن شاهقلیان

پژوهشگر

دکتر محمد نیکخواه

سال اجرا: ۱۳۹۱

چکیده: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سراسر جهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین نیروی انسانی به حساب آمده، بنابراین کارآموزان آنها گنجینه‌های عظیم انسانی بوده که می‌توان از ظرفیت‌های آنان برای توسعه همه‌جانبه نهایت بهره را برد. از جمله موارد مهم در زمینه کارایی و اثربخشی این آموزش‌ها، روش‌های ارائه یا راهبردهای یاددهی-یادگیری به‌کار گرفته شده در آنها است. بهترین روش آموزش در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای، کارآموزی افراد در محیط حرفه‌ای واقعی است و از جمله روش‌هایی که می‌تواند به‌نحو مؤثری آنان را برای محیط واقعی کار آماده سازد، آموزش به روش استاد-شاگردی است. بنابراین این پژوهش درصدد بررسی این بوده که تا چه اندازه‌ای این طرح قادر به دستیابی به هدف‌های خود بوده؟ کارآموزان، استادکاران و کارگاه‌ها از ویژگی‌های مورد نظر طرح برخوردار بوده‌اند؟ و آسیب‌های مربوط به هر یک از آنها کدام است؟

روش پژوهش: نوع پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی و پیمایشی بوده است. اطلاعات پژوهش به دو روش مطالعه‌های نظری و بررسی‌های میدانی، گردآوری شده‌اند. جامعه آماری پژوهش، شامل تمامی استادکاران و کارآموزان طرح نوین استاد-شاگردی شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۱ بوده است. برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه پژوهشگرساخته استفاده شده است. روایی پرسشنامه‌ها از طریق مسئولان مربوطه و متخصصان مورد تأیید قرار گرفته شده و پایایی آن به روش آلفای کرانباخ ۰/۹۴ محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش: حاکی گرچه در پاره‌ای موارد بین دیدگاه استادکاران و شاگردان طرح تفاوت‌هایی وجود داشته است، ولی در مجموع، میزان دستیابی طرح استاد-شاگردی به هدف‌های آن در حد متوسط و بیشتر از آن بوده است. میزان برخورداری شاگردان از ویژگی‌های مورد نظر طرح، در حد برخی زمینه‌ها کمتر از متوسط و در بقیه متوسط و بیشتر از متوسط بوده است. میزان برخورداری استادکاران از ویژگی‌های مورد نظر، در مجموع متوسط، بیشتر از متوسط و زیاد بوده است. همچنین کارگاه‌های مورد بررسی از برخی آسیب‌ها و مشکلات برخوردار بوده‌اند.

بیان مسئله: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در سراسر جهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر به حساب می‌آیند و این آموزش‌ها تأکید ویژه‌ای در رسیدن به هدف‌ها و برنامه‌های توسعه

اقتصادی و اجتماعی کشورها دارند. کارآموزان این آموزش‌ها گنجینه‌های عظیم انسانی قابل تربیت و آموزش، جهت کسب حرف و مشاغل گوناگون را تشکیل می‌دهند و می‌توان از پتانسیل‌های بالقوه آنان برای بهبود جامعه و رشد و توسعه همه جانبه اجتماعی و اقتصادی نهایت بهره و استفاده را برد. لذا در این مورد نوع این آموزش‌ها و چگونگی کمیت و کیفیت ارائه آنها مطرح است. چرا که یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آماده‌سازی کارآموزان برای ورود به بازار کار و یافتن کار متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و عملی آنان یا به عبارت دیگر تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر برای ورود به بازار کار است. متداول‌ترین و بهترین روش آموزش و یادگیری در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای، کارآموزی افراد در محیط حرفه‌ای واقعی است. در این روش کارآموز ضمن کسب مهارت، دانش‌های مورد لزوم عمل‌کرد حرفه‌ای خود با ماشین‌آلات و مواد اولیه‌ای سر و کار دارد که پس از اتمام کارآموزی باید با آنها کار کند. در این مورد، کارآموز در محیط واقعی کار می‌کند که در آینده باید در حرفه‌اش آن‌را انجام دهد. گرچه امروزه روش‌های متعددی برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متداول شده است، اما یکی از روش‌های آموزش و یاددهی-یادگیری فنی و حرفه‌ای که بیشترین نزدیکی و قرابت را با نیازهای شغلی واقعی افراد دارد و می‌تواند به‌نحو مؤثری در محیط واقعی کار، آنان را برای یک فن یا حرفه از جهت‌های مختلف آماده سازد، آموزش به روش استاد-شاگردی است. بعد از یک وقفه طولانی‌مدت، با توجه به اهمیت روش مذکور، در ارائه آموزش‌های مهارتی و شغلی به فراگیران، مجدداً طرح احیای این روش در دستور کار مسئولان قرار گرفت و شیوه‌نامه اجرایی آن پس از ماه‌ها هماهنگی و اجرای آزمایشی، با روی‌کرد ایجاد بسترهای لازم برای اشتغال مولد و پایدار مطابق با فناوری‌های روز و همچنین استمرار و تثبیت مشاغل موجود و مورد نیاز جامعه به ویژه در مشاغل خانگی و سنتی با استفاده از ظرفیت بخش‌های غیردولتی در توسعه آموزش‌های مهارتی و در اجرای سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و نظام آموزش مهارت و فناوری مصوب مورخ ۱۳۹۰/۸/۱ هیأت وزیران و نیز ماده ۲۱ قانون برنامه پنجم توسعه، در ۱۴ ماده، به سازمان فنی حرفه‌ای کشور و اداره کل فنی و حرفه‌ای استان‌ها ابلاغ گردیده است. با این وجود آنچه در زمینه اجرای این طرح، در سطح کشور و به‌ویژه استان چهارمحال و بختیاری و شهرستان شهرکرد به‌عنوان یکی از شهرستان‌های مجری این طرح، مطرح بوده، این است که اجرای این طرح در شهرستان مورد بررسی، این طرح تا چه اندازه‌ای قادر به دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده بوده است؟ چه مسائل و مشکلاتی بر سر راه این طرح بوده و این طرح از چه آسیب‌هایی برخوردار است و در نهایت این‌که چه راه‌کارهایی می‌توان برای گسترش و توسعه کمی و کیفی این آموزش‌ها ارائه داد؟ بنابراین آنچه در این پژوهش، به عنوان مسئله مطرح گردیده موارد مذکور بوده و این پژوهش با توجه به اهمیت طرح و ضرورت انجام آن در شهرستان شهرکرد، در راستای پاسخ‌گویی به سؤال‌های مذکور، انجام گرفته شده است.

با تشکر